ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۰- شماره ۶۷۲۵

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR

info@inn.ir

یادداشت

علی بابازاده

برای آتزوری احیاشده؛ مانچینی، معمار نوین ایتالیا!

فوتبال ملی ایتالیا طی سالیان اخیر فراز و نشیب‌های بی‌شماری را تجربه کرده؛ پس از خاطرات شیرین جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان و رسیدن به قله قهرمانی جهان، کلیدواژه پوست‌اندازی و تغییر نسل خواسته اساسی هواداران و دوستداران آتزوری لقب گرفته اما عملی کردن این شعار ضربه‌های بزرگی را بر پیکره فوتبال ایتالیا وارد کرده است.

آتزوری در سال ۲۰۰۶ یکی از کامل‌ترین تیم‌های جهان فوتبال به حساب می‌آمد و همین امر باعث پیروزی در برابر فرانسه شد؛ جیانلوئیجی بوفون به واسطه حضور فابیو کاناوارو وماتراتزی در خط دفاع آسوده خاطر بود و بازی‌سازی آندره پیرلو درکنار جنگندگی گتوزو معنا پیدا می‌کرد.

فوتبال ملی ایتالیا پس از جام جهانی آلمان دستخوش تغییرات زیادی شد و فدراسیون فوتبال این کشور وظیفه تغییر نسل را به یک مربی جوان سپرد؛ روبرتو دونادونی برخلاف تصورات فرصت چندانی بر روی نیمکت تیم ملی فوتبال کشورش پیدا نکرد و با حذف در مرحله یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های اروپا به کارش پایان داد. با این برکناری فرصت دوباره برای مارچلو لیپی فراهم شد تا بتواند هدایت لاجوردی‌پوشان را در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی برعهده بگیرد و ستارگان جدیدی را از لیگ قحطی‌زده سری آ کشف بکند؛ مارچلو لیپی توان خط زدن روی اسم نفراتی چون فابیو کاناوارو و آنتونیو دی ناتاله را نداشت و لیست ۲۳ نفره او در جام جهانی ۲۰۱۰، یازده بازیکن بالای ۲۸ سال را در خود جای داده بود و به طولانی‌تر شدن دوران پوست‌اندازی لاجوردی‌پوشان کمک کرد!

۲۴ ژوئن همان سال، باخت ۳ بر ۲ ایتالیا مقابل اسلواکی، به منزله پایان کار مدافع عنوان قهرمانی در جام جهانی برشمرده می‌شد و شاگردان مارچلولیپی در همان مرحله گروهی و پس از جدال با تیم‌های نیوزلند، اسلواکی و پاراگوئه از دور مسابقات کنار رفتند.

با جدایی مارچلولیپی، فدراسیون فوتبال ایتالیا که با تصمیم‌های نادرست خود به‌شدت تحت فشار مطبوعات و هواداران قرار گرفته بود، خبر توافق با چزاره پراندلی را رسانه‌ای کرد. برای آتزوری اما کماکان در بر روی همان پاشنه می‌چرخید و افت کیفی سری آ و عدم شکوفایی بازیکنان جوان و مستعد، فوتبال سرزمین چکمه را از جمع قدرت‌های بلامنازع اروپا خارج کرد!

پراندلی با اضافه کردن ماریو بالوتلی و فابیو بورینی۲۱ ساله به لیست خود، تنها قدم در راه جوانگرایی تیمش را برداشت. آبی‌ها کارشان با چزاره پراندلی پس از نایب قهرمانی در یورو۲۰۱۲ و حذف در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۴ به پایان رسید. لاجوردی‌پوشان طی سالیان گذشته با آنتونیو کونته شرایط بهتری را پیدا کرده بودند ولی حضور ونتورا مجدداً زنگ خطر را به صدا درآورد؛ بیشتر بازیکنانی که ونتورا در ترکیب اصلی خود قرار می‌داد بالای ۳۰ سال سن داشتند؛ حضور همیشگی بوفون، لئوناردو بونوچی، جورجیو کیلینی، آنتونیو کاندروا و مارکو پارولو در تفکرات ونتورا، ثابت می‌کرد که بازیکنان ایتالیا همانند گذشته با استعداد نیستند و ظهور یک نسل جدید کماکان در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. جدایی جامپیرو و ونتورا شروع یک دوران تازه بود؛ حالا روبرتو مانچینی موفق شده تیمی را آماده مسابقات مختلف کند که از شرایط ایده‌آل برخوردار است. ایتالیا با قدرت کامل جواز حضور در مسابقات جام ملت‌های اروپا را به دست آورد و اکنون نیز درخشش ستارگان جوان آتزوری خبر از صعودی بی‌دغدغه به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر می‌دهد. آخرین چالش برد ۲ بر صفر مقابل لیتوانی بود؛ مانچینی در کنفرانس مطبوعاتی پس از مسابقه گفت: «این سومین بازی ما طی ۸ روز گذشته بود و می‌دانستیم که شب سختی را پیش‌رو خواهیم داشت. استفاده از ترکیب چرخشی نیز در این گونه بازی‌های سخت و فشرده کمک چندانی به شما نخواهد کرد. با این همه معتقدم اگر بیشتر موقعیت‌های خود را به گل تبدیل می‌کردیم و قدرآن‌ها را می‌دانستیم، در زمان مسابقه راحت‌تر، و در پایان آن خوشحال‌تر بودیم!»

ایتالیا در ۲۵ بازی گذشته خود تحت هدایت مانچینی شکست نخورده و آمار خیره‌کننده ۲۰ برد و ۵ مساوی را به ثبت رسانده؛ شاگردان روبرتو اکنون توانسته‌اند با رکورد سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ مارچلو لیپی برابری کنند و به دنبال یکه‌تازی هرچه بیشتر باشند. طولانی‌ترین روند شکست نخوردن در تاریخ آتزوری با ۳۰ مسابقه، متعلق به سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹ و دوران مربیگری ویتوریا پوتزو است. ایتالیا در ۷ بازی خارج از خانه خود در تمامی مسابقات موفق به بسته نگه داشتن دروازه خود شده و چنین اتفاقی درتاریخ تیم ملی بی‌سابقه به حساب می‌آید. لئوناردو بونوچی یکی از اصلی‌ترین ارکان خط دفاعی می‌گوید: «نکته‌ای که همیشه از زمان ورود روبرتو مانچینی به عنوان سرمربی تیم ملی برایم حائز اهمیت بوده، نظم و تاکتیک‌ها و دستورات بجاست؛ سعی می‌کنیم بدون ترس با همه حریفان‌مان روبه‌رو شویم و با حفظ آرامش، تنها برای کسب پیروزی وارد میدان شویم. بازیکنان و کادرفنی به‌شدت تلاش می‌کنند و ایده‌ها و برنامه‌های تاکتیکی‌مان از قبل آماده و منتظر اجراست. این روحیه سختکوشی و فداکاری در بین نفرات جوان‌تر تیم نیز وجود دارد و حاصلش را در نتایج تیم ملی کشورمان می‌توان مشاهده کرد.» تعریف و تمجید از عملکرد مربی سابق باشگاه‌های منچستر سیتی و اینتر میلان افزایش پیدا کرده است و حالا سؤال اساسی اینجاست که عمده اختلاف تیم مانچینی با سایر مربیان آتزوری چه بوده؟ شجاعت و ریسک‌پذیری در استفاده از بازیکنان جوان مهم‌ترین شاخصه او به حساب می‌آید. نیکولو زانیولو اولین بار توسط مانچینی به تیم ملی فراخوانده شد و اگر مصدومیت مانعی برای پیشرفتش نبود، نقش سنگین‌تری به او محول می‌شد. ایتالیا تحت هدایت روبرتو مانچینی در دیدار برابر لیتوانی، تنها از رافائل تولوی و چیرو ایموبیله به عنوان بازیکنان بالای ۳۰ سال استفاده کرد و چنین آماری حتی در دوران آنتونیو کونته و مارچلو لیپی نیز دیده نشد. پس از گذشت تقریباً ۱۵ سال، بار دیگر آتزوری به روزهای اوج بازگشته و می‌توان برای آینده این تیم نتایج و افتخارات قابل قبولی را متصور شد؛ دورماندن از صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه و تساوی برابر سوئد در دیدار پلی آف، کماکان یکی از تلخ‌ترین خاطرات هوادارانی به حساب می‌آید که زمانی تیم‌شان با شایستگی کامل به مقام قهرمانی جهان رسیده بود. نسلی از جوانان مستعد زیر نظر روبرتو مانچینی مشغول به ساخت «ایتالیای نوین» شده که بسیار کم نام و نشان‌تر از تیم ۲۰۰۶ است. یکایک آن‌ها شایستگی بازی در باشگاه‌های بزرگ اروپایی را دارند وکادرفنی با نفراتی یک تیم مدعی و خوش آتیه ساخته که بیشترشان در رده باشگاهی روزهای خوبی را سپری نمی‌کنند و به واسطه حضور در بازی‌های ملی به اوج می‌رسند. ایتالیا در رقابت‌های جام ملت‌های اروپا با تیم‌های ترکیه، ولز و سوییس همگروه شده و مردم سرزمین چکمه امید فراوانی به تیم خود دارند. تا بدین جای کار عملکرد مانچینی قابل قبول است و یقیناً حضور ستارگانی چون فدریکو کیزا، بارلا، الساندرو باستونی، بیگرینی، استفانو سنسی و موزیه کین از آنها در جام ملت‌های اروپا و جام جهانی یک مدعی تمام عیار خواهد ساخت. ایتالیا نسل و نظم جدید و موفق خود را مدیون معماری به نام روبرتو مانچینی است؛ مردی که وقتی از او در خصوص هدف آخرش در تیم ملی پرسیده شد، گفت: «امیدوارم روزی برسد که عملکرد من را با عملکرد مارچلو لیپی در جام جهانی مقایسه کنید!»

عکس روز

دیوار سوری

این مدل بستن دیوار دفاعی حالا چند سالی است که مد شده. ویژه بازیکنانی است که مهارت زدن شوت زمینی محکم هم دارند. بازیکنان تیم ملی سوریه هم در بازی دوستانه هفته پیش با ایران از این مدل دیوار دفاعی استفاده کردند. شاید اگر ما هم در جام جهانی ۱۹۹۸ جلوی میهایلوویچ این مدلی دیوار دفاعی چیده بودیم، آن بازی را نمی‌باختیم.

کاریکاتور

حمید سحری

تیم ملی پرتغال در دو هفته اول سال ۳ بازی ملی در رقابت‌های انتخابی جام جهانی انجام داد و رونالدو تنها موفق شد یک گل به ثمر برساند. او در بازی دوم پرتغالی‌ها برابر صربستان یک گل سالم به صرب‌ها زد که داور به اشتباه آن را نپذیرفت تا حمید سحری در طرحی به این اشاره کند که علی دایی از این ماجرا سود برده و جلوی چشمان داور را گرفته!

طنزیم

مومن جعفری

سال هزار و چهارصد را چگونه آغاز کردید!

البته بر همگان واضح و مبرهن است که سال نو سالی است که در آن همه چیز نو باشد و سالی که نو نباشد سال نو نیست. چند ماه دیگر انتخابات است و همه چیز نو می‌شود. مطابق شنیده‌های ما رییس‌جمهور نو می‌شود. وزیر ورزش هم نو می‌شود. وزیر جوان هم نو می‌شود. هیأت مدیره استقلال و پرسپولیس هم نو می‌شوند. نیمکت‌های‌شان هم نو می‌شوند. خلاصه همه چیز نو می‌شود. ما هم منتظریم تا سال نو واقعاً نو شود چون فعلاً که سال نو با سال کهنه فرقی نکرده. فقط یک مقدار گران‌تر شده. یک مقدار هم کرونایش بیشتر شده.

برویم ببینیم در سال جدید وضعیت فوتبال و بقیه رشته‌های ورزشی کشورمان چگونه خواهد بود. ببینیم به جام جهانی صعود می‌کنیم یا خیر! ببینیم به المپیک می‌رویم یا نه! ببینیم در لیگ قهرمانان آسیا به جایی می‌رسیم یا نه! خلاصه همه منتظریم ببینیم چیزی عوض می‌شود یا نه. فعلاً که همه چیز کما فی السابق است! ببینیم رخت نوتن ورزش ایران می‌کنند یا نه!

خوبی کلاب هاوس این است که وزیر جوان و یک تعداد دیگر از آدم‌های مثلاً بی‌طرف می‌روند داخل آنجا و اتاق طرفداری از یک تیم خاص تشکیل می‌دهند و در مورد میزان کمک‌هایی که به تیم مورد علاقه‌شان کردند، داد سخن سر می‌دهند. کاش این شفافیت همه جا بود! کلاً شفافیت چیز خوبی است. خیلی خوب است آدم‌ها شفاف باشند. هر جا آدم شفاف دیدید تشویقش کنید. آفرین وزیرجان! همین طوری شفاف بگو چه کردی و چه می‌کنی. برای تاریخ خوب است!

پرونده

گزارش یک

میعاد نیک

افتاده دور از اصلِ خویش

به سال «صفر» می‌رسیم!

سومین تجربه سرمربیگری ملی دراگان اسکوچیچ اگر چه با کسب سومین پیروزی متوالی و حفظ رکورد ۱۰۰ درصد بُرد تیم ملی با مرد کروات همراه بود اما سال ۱۴۰۰ دقیقاً همان سال حساسی است که آمار و ارقام به‌ظاهر مثبت نمی‌توانند در مسیر غلبه بر بحرین و عراق، منجی یوزهای ایرانی شوند. تیم اسکوچیچ در سومین نمایش دوستانه‌اش همانقدر متزلزل و بی‌برنامه نشان داد که مقابل تیم‌های ازبکستان و حتی بوسنی‌وهرزگوین تکرار کرده بود. برتری ۳ بر صفر ملی‌پوشان فوتبال ایران مقابل تیم ملی سوریه مانند پیروزی‌های پیشین نتوانست به سنگ محک مناسبی برای سنجیدن عیار تاکتیکی تیم دراگان بدل شود تا یوزها بدون حتی یک آزمون جدی و اصولی، خود را برای جهنم مناسبات و تقابل با ۲ رقیب اصلی‌شان آماده کنند.

سرمربی تیم ملی که با گذشت بیش از یک‌سال از عقد قرارداد با فدراسیون فوتبال هنوز هم نتوانسته تمام سرمایه‌های فوتبال کشور را حتی طی یک اردو در اختیار داشته باشد، باز هم تغییر تاکتیک و برنامه داد تا این سومین باری باشد که ملی‌پوشان با سیستمی جدید وارد میدان می‌شوند؛ با این تفاوت که در بازی مقابل سوریه از بازی‌های قبلی هم بی‌برنامه‌تر و بی‌سروشکل‌تر بودیم. اگر خلاقیت فردی و گل اروپایی کریم انصاری‌فرد در دقایق پایانی مسابقه را فاکتور بگیریم، تیم دراگان اسکوچیچ در سومین نمایش‌اش حتی در خانه و حتی در برابر سوریه‌ای که امیدهایش را روانه میدان کرده بود، چیزی جز سانتر از جناحین و چشم‌دوزی به ضدحملات را در چنته نداشت. ۲ گلی که توسط محمدحسین کنعانی‌زادگان و سردار آزمون وارد دروازه شاگردان نبیل معلول شد، تماما برخاسته از اتفاقات و حتی خارج از جریان تاکتیکی مسابقه بود. یک ضربه سر توسط مدافع پیش‌تاخته تیم ملی ایران در نخستین دقایق که با جایگیری اشتباه مدافع سوری به شوک ابتدایی بازی تبدیل شد و یک ارسال بلند از سوی علی‌رضا بیرانوند برای استفاده حداکثری از ضدحمله، به گل‌زنی سردار آزمون انجامید تا تیم ملی از اصل خود که برتری مطلق در مقابل تیم‌های درجه ۲ آسیایی بود هم دور بیفتد.

اگر فلسفه بازی‌های تدارکاتی پرداختن به آزمون و خطاست، چگونه ممکن است که دراگان اسکوچیچ بدون اخذ امتحانی سخت از تمام ستاره‌های فوتبال ایران، بتواند در مسابقات پیش‌رو موفق عمل کند؟ تیمی مملو از ستاره که هرکدام‌شان در لیگ‌های اروپایی و آسیایی به درخشش مشغول‌اند، مگر چیزی برای رسیدن به حداقل خواسته‌هایش کم دارد که برخی از گوشه‌وکنار مدعی افزایش فشار انتقادات بر کادرفنی تیم ملی می‌شوند؟ این مجموعه یکدست و این ستاره‌های درخشان، میراث تیمی است که با کارلوس کی‌روش به یک‌قدمی پیروزی مقابل قهرمان جام ملت‌های اروپا و صعود از گروه مرگ جام جهانی رسید؛ صعود به جام جهانی که اصلاً نباید موضوع خاصی باشد! از تیمی که در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ خیال‌اش از صعود مقتدرانه راحت شده بود و پس از مشخص شدن قرعه‌های جام جهانی به صعود از گروه اسپانیا، پرتغال و مراکش فکر می‌کرد، رسیده‌ایم به تیمی که برای پیروزی مقابل بحرین و عراق ماتم گرفته و البته مقابل سوریه هم حرفی برای گفتن ندارد. در باد این بُردهای سوری خوابیدن کاری است بس غلط، تیم اسکوچیچ در این ۳ بازی نشان داده که سرتاپا ایراد است و با یک موتور زنگ‌زده حتی اگر در اتاق مرسدس‌بنز هم نشسته باشی، به مقصد نخواهی رسید. مدیحه‌سُرایی و پروپاگاندای رسانه‌ای برای صعود اصلاً کارایی ندارد، بهتر است انتظارات را بالاتر ببریم تا مبادا به خیال خام کسی خطور کند که این تیم، کامل نیست.

تک به تک

عقب‌گرد از بیرون تا درون زمین

با سه گل هم بهار نمی‌شود

عقب‌گرد در فوتبال ملی کشور، تنها در نتیجه دیدار دوستانه ایران - سوریه به چشم نمی‌خورد. پای ثابت غرب قاره کهن در جام جهانی، برای صعود به دور دوم مقدماتی این تورنمنت با چالش روبه‌رو شده وتدارکی که برای رهایی از این کابوس دیده شده، سه دیدار دوستانه با بوسنی، ازبکستان بود و سوریه‌ای که ترکیبش مقابل ما از بازیکنان تیم المپیک این کشور تشکیل شده بود. فوتبال دوستان کشور به‌درستی بر پیروزی سه‌گله ما چشم بستند و غیبت چند ستاره تأثیرگذار و ناهماهنگی فنی ملی‌پوشان درون زمین را واضح‌تر دیدند.

بی‌شک شهامت در میدان دادن به بازیکنان کمتر شناخته‌شده مزیت بزرگ دراگان اسکوچیچ است. با این حال، ابوالفضل جلالی و جعفر سلمانی در جدال مرگ و زندگی با بحرین و عراق گره‌گشا نخواهند بود. سلمانی از لژیونرهای آتیه‌دار کشورمان در لیگ‌انوس پرتغال است اما حضورش در پست غیرتخصصی خود، جناح راست دفاع تیم ملی را کاملاً در اختیار محمود المواس باتجربه و دیگر سرخ‌پوشان سوری قرارداد تا دلتنگی ما برای وریا غفوری و رامین رضاییان افزایش یابد.

در میانه میدان نیز خلأ یک هافبک تخریبی نظیر امید ابراهیمی کاملاً مشهود بود. احسان حاجی‌صفی و میلاد محمدی که دوتن از باتجربه‌ترین‌های لیست اخیر اسکوچیچ بودند، در دفاع درخشش سال‌های گذشته خود را نداشتند. شماره ۱۰ کارکشته سوری‌ها به کمک یاران کم‌تجربه خود حتی موفق به لرزاندن تیرک دروازه ما نیز شد.

تیم ملی با اسکوچیچ سه شیوه کاملاً متفاوت را مقابل سه رقیب تدارکاتی‌اش پیاده کرد. اگرچه حاصل این برنامه‌ریزی ثبت ۷ گل از ۵ مهاجم بود اما مقابل سوریه، ۲ گل نخست روی ضربه کرنر و شروع مجدد غافلگیرکننده علیرضا بیرانوند به ثمر رسیده‌اند. اگرچه سردار آزمون و مهدی طارمی نیز سه موقعیت خطرناک را بر باد دادند.

متأسفانه، فاصله زیاد اردوهای ملی نیز در کنار شرایط کرونایی حاکم بر فضای فوتبال شکل‌گیری تیم آرمانی اسکوچیچ را با مانع مواجه ساخته. دیدارهای رسمی با هنگ‌کنگ و کامبوج، آخرین فرصت‌های سرمربی کروات‌مان برای هماهنگ‌سازی تمام ستاره‌های تیم ملی با یکدیگر و با تفکرات خودش است؛ در حالی که علی‌رضا جهانبخش، مرتضی پورعلی‌گنجی، سامان قدوس و کاوه رضایی به دلایل گوناگون در اردوی کنونی تیم ملی حاضر نبودند. با وجود تمامی مشکلات، فوتبال کشورمان شایستگی سربلندی و موفقیت در آزمون دشوارش را دارد اگر چشم بر اشتباهات فنی تیم ملی در سه دیدار قبلی بسته نشود.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

مصائب زندگی در خاورمیانه

فقط امیدوار باش

زندگی در خاورمیانه یک چیز را به خوبی به ما آموخته است: «در بدترین لحظات هم امیدوار باش!» برای همین هم ما در روزهایی که امید کمی به صعود به جام جهانی داریم و راه‌شواری در پیش، امیدواریم که این مسیر را به آسانی بگذرانیم. روی کاغذ ما با عبور از کابوس ویلموتس به جزیره آرامش اسکوچیچ رسیدیم که حالا به ۱۰۰ درصد پیروزی از سه دیدار تدارکاتی یک سال اخیرش آماده سفر به بحرین و برگزاری رقابت‌های مقدماتی انتخابی جام جهانی است اما تجربه سال‌ها زندگی در اقلیم فوتبالی این کشور به ما می‌گوید که چندان نباید به این نتایج دل خوش کرد. نخست اینکه حتی سوریه، رقیبی که پیش‌تر هم از سوی ایران گلباران می‌شد، احتمالاً با اعتماد به نفس ناشی از وضعیت بهتر نسبت به ایران برای صعود به دو انتخابی جام جهانی با تیم کاملش به ایران نیامده بود. پس سه گلی که به دروازه سوریه دوخته شد را شاید نتوان دلیل محکمی برای آمادگی کامل تیم ملی دانست. در واقع در همه این سال‌ها سیاستی از سوی فدراسیون والبته سرمربی‌های تیم ملی پیگیری می‌شد و می‌شود که بازی‌های تدارکاتی اغلب یا با تیم‌های گمنام برگزار می‌شود و یا اینکه با تیم‌هایی که بازیکنان اصلی را در اختیار ندارند تا به این ترتیب فشاری روی سرمربی در مرحله آماده‌سازی تیم نیاید.

نداشتن منابع مالی لازم و نیروهای متخصص در بخش بین‌الملل که کار رایزنی‌های بین‌المللی را انجام دهند، موجب شده تا در همه این سال‌ها رقبای تدارکاتی ما چیزی شبیه آن عکس معروف تیم ملی سیرالئون با دمپایی در ورزشگاه آزادی باشند اما از آنجایی که در فوتبال ایران کسی قرار نیست درسی از گذشته بگیرد و همه سرشان به بازی‌های خودشان گرم است، تیم ملی ایران در شرایطی پر از بیم و امید قرار است راهی بحرین شود. جایی که یک لغزش ممکن است به قیمت از دست رفتن فرصت حضور در جام جهانی مبدل شود. در این میان باید تنها دل‌مان را به همان تاکتیک‌های قدیمی گرم کنیم. غیرت بازیکنان و خوش‌شانسی اسکوچیچ! تصور همه‌مان این بود که بعد از دو دور حضور پیاپی در جام جهانی دیگر تابوی صعود به این رقابت‌ها برای‌مان شکسته شده باشد و حالا باید به دروازه‌های بزرگ‌تر در این رقابت‌ها فکر کنیم اما تصورش را نمی‌کردیم که حتی حضور در دور انتخابی جام جهانی در آسیا هم برای‌مان به یک آرزو تبدیل شود.

کرنر

مازیار گیلکان

چند نگرانی که اسکوچیچ اضافه کرد

نگرانی‌ها برای بازی‌های دشوار تیم ملی در راه جام جهانی کم بود، حالا تغییرات دراگان اسکوچیچ و نحوه انتخاب بازیکن توسط او نیز به نگرانی‌ها اضافه کرده است.

تیم ملی فرصتی برای آزمون و خطا با بازیکنان جدید و کم‌تجربه ندارد اما دراگان اسکوچیچ انگار فارغ از وضعیت تیم ملی در آستانه بازی‌های راهیابی به جام جهانی به فکر تجربه کردن نفرات جدید است که بعید است بتوانند در بازی‌های متمرکز بحرین گره‌ای از گره‌های تیم ملی را بگشایند.

شاید در یک وضعیت مناسب در تیم ملی، فرصت دادن به بازیکنان تازه‌وارد در بازی‌های دوستانه منطقی باشد اما در حالی که تیم ملی فرصت چندانی برای برگزاری بازی تدارکاتی ندارد، کمی عجیب است که سرمربی تیم ملی بازیکنان جدید را امتحان کند.

دراگان اسکوچیچ اما پاسخ این نقد را داده است: «به خاطر محدودیت‌های کرونایی یکسری بازیکنان مثل علیرضا جهانبخش و سامان قدوس از انگلیس، امیر عابدزاده از پرتغال و... نتوانستند از مقصد کشورشان به ایران بیایند. مرتضی پورعلی‌گنجی، صادق محرمی، کاوه رضایی و بازیکنان استقلال را به خاطر اینکه کرونایی بودند، در اختیار نداشتیم. قطعاً از این بازیکنان در اردوی خردادماه تیم ملی استفاده می‌کنیم و آنها را بازی خواهیم داد چراکه حساب ویژه‌ای روی این نفرات باز کردیم اما در این اردو سعی داشتیم نفرات جوان‌تر را بازی دهیم که البته این اتفاق، پیامی برای بازیکنان لیگ بود که بدانند دیده می‌شوند.»

دراگان اسکوچیچ با نفرات اصلی که در اختیارش بودند هم هنوز به فرم اصلی نرسیده، هنوز برداشت‌های دقیقی از بازیکنانش در دست ندارد و این را در بازی با سوریه نشان داد، نکاتی که می‌تواند برای تیم ملی در بازی‌های متمرکز بحرین در دسرساز شود. اسکوچیچ البته ادعای دیگری دارد: «من برای انتخاب بازیکنان یک سطح استاندارد را تعریف می‌کنم و آنها نیز باید همانطور که من انتظار دارم، بازی کنند و این را هم باید بگویم که من حتی بازیکنان را بهتر از خودشان می‌شناسم.» این جملات را در پاسخ به چرایی دعوت نکردن چند بازیکن گفته است اما مسأله این است که نفرات منتخب خودش را با شناخت دقیق فنی بازی نمی‌گیرد و بهترین نمایش آنها را ارائه نمی‌دهد.

توقعات از اسکوچیچ بالاست و او می‌داند چه کار دشواری پیش رو دارد. نقدها به او در آینده سختگیرانه خواهد شد و خودش حتماً می‌داند که همه چیز به عملکرد او بستگی دارد.